



دوم درس

با کاروان هستی

در درس گذشته به سراغ برخی موجودات رفتیم و با مشاهده‌ی نظام‌مندی آن‌ها، حضور حکمت و تدبیر الهی را دریافتیم.

اکنون می‌خواهیم به گستره‌ی جهان نظر کنیم و نظام آن را بررسی نماییم تا به پاسخ این سؤال برسیم که:

جهان رو به سوی کجا دارد

و رهسپار چه هدفی است؟

روش ما در این درس آن است که ابتدا به مشاهده‌ی جهان بپردازیم و سؤال‌هایی را که برای ما پیش می‌آید به قرآن کریم عرضه کنیم تا پاسخ صحیح را به دست آوریم.

آیات شریفه‌ی زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

..... ما خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ
..... وَ مَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ
سرآمدی معین و نامبرده شده
..... وَ أَجَلٍ مُّسَمًّى
..... وَالَّذِينَ كَفَرُوا
از آن چه انذار داده شدند،
..... عَمَّا أَنْذَرُوا مُعْرِضُونَ
رویگردانند

احقاف، ۳

..... يُسَبِّحُ لِلَّهِ
..... مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ
..... لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ
..... وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

تغابن، ۱

..... خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ
..... بِالْحَقِّ
و شمارا صورتگری کرد
..... وَ صَوَّرَكُمْ
و صورت‌های شمارا نیکو آراست
..... فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ

وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ

تغابن، ۳

أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ

حال آن که به فرمان اوست

وَلَهُ سَلَّمَ

مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

خواه ناخواه

طَوْعًا وَكَرْهًا

وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ

آل عمران، ۸۳

... مَا تَرَىٰ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ

هیچ خلل و بی نظمی

مِنْ تَفَاوُتٍ

پس بار دیگر دیده بگردان

فَارْجِعِ الْبَصَرَ

آیا هیچ شکافی می بینی؟

هَلْ تَرَىٰ مِنْ فُطُورٍ

ملک، ۳



به کمک توضیحات زیر، ترجمه‌ی آیات را کامل کنید.

يُرْجَعُونَ : بازگردانده می‌شوند

يَبْغُونَ : می‌جویند

مُلْك : پادشاهی

۱- در فرهنگ‌نامه‌ی مفردات راغب آمده که «فوت» به معنی دور شدن است. تفاوت نیز که اختلاف دو چیز در اوصاف و خصوصیات است، سبب دور شدن آن دو از یکدیگر می‌شود. و چون تفاوت از باب تفاعل است، گویا چنین است که هر دو از هم دور می‌شوند. یعنی خصوصیات این در آن نیست و خصوصیات آن در این.

مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر المیزان درباره‌ی همین آیه می‌فرماید: منظور از عدم تفاوت این است که تدبیر الهی چون حلقه‌های زنجیر، در سراسر جهان به هم پیوسته و متصل است. موجودات به‌گونه‌ای با یکدیگر مربوطند که آثار فعالیت یکی، نصیب دیگری می‌شود، همان‌طور که خود آن برای ثمر دادن، به موجودات دیگر وابسته و نیازمند است... پس منظور از نبودن تفاوت در خلقت آن است که خداوند اجزا و اعضای جهان خلقت را طوری آفریده که بتوانند به هدفی که برای آن خلق شده‌اند برسند و دیگران مانع او نشوند...

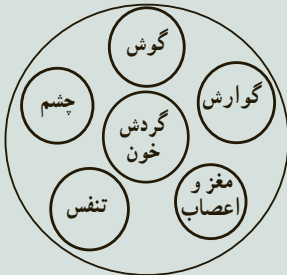
هم چنین ذیل آیه ۱۰۳ سوره‌ی انعام می‌فرماید: آیات دیگری نیز هست که می‌رساند اجزای عالم همه به هم متصل و مربوطند و پیوستگی آن‌ها به حدی است که همه را به‌صورت یک موجود درآورده و نظام واحدی در آن حکمفرماست.

نظام‌های به هم پیوسته

دانستیم که مجموعه‌ی نظام مند، مجموعه‌ای است که اجزاء آن به گونه‌ای سامان یافته‌اند که فعالیت دسته‌جمعی آن‌ها منتهی به هدفی معین می‌شود. و دانستیم که شاخصه‌ی اصلی چنین مجموعه‌ای «هدفمندی» است.

اگر نگاه عمیق‌تری به مجموعه‌های پیرامون خود بیفکنیم، می‌یابیم که هر یک از آن‌ها از نظام‌های کوچک‌تری ساخته شده‌اند که آن نظام‌های کوچک هم برای خود هدف و غایت خاصی دارند. و چه بسا که آن نظام‌های کوچک هم از نظام‌های کوچک‌تری تشکیل شده باشند. این نگاه عمیق ما را به نظام‌هایی تودرتو می‌رساند که به زیبایی هرچه تمام‌تر یک نظام را می‌سازند که منتهی به «هدف واحد» می‌شود، بدون این که هیچ بی‌نظمی و خللی در این میان پدید آید. پس نظام‌های موجود از نظام‌های کوچک شروع می‌شوند و به نظام‌های بزرگ و بزرگ‌تر می‌رسند و منتهی به یک نظام کل بزرگ می‌شوند که همه‌ی آن نظام‌های کوچک‌تر را دربر می‌گیرد.

بدن انسان را به عنوان یک نظام بزرگ در نظر بگیرید^۱. این بدن از دستگاه‌های مختلفی، مانند گوارش، گردش خون، اعصاب و تنفس تشکیل شده است. اگر بدن انسان را یک دایره‌ی بزرگ فرض کنیم، این دستگاه‌ها به صورت دایره‌های مرتبط به هم، درون آن قرار دارند. هدف تمامی این دستگاه‌ها، حیات انسان است.



برخی دستگاه‌های بدن انسان



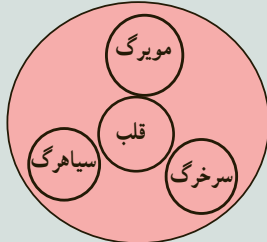
دستگاه‌های بدن

حال اگر یکی از این دستگاه‌ها را جداگانه مورد مطالعه قرار دهیم، می‌بینیم که هر دستگاه نیز از چند قسمت تشکیل شده است و با یکدیگر ارتباط دارند. یعنی در داخل این دایره، دایره‌های کوچک‌تری هستند که با یکدیگر همکاری می‌کنند. به طور مثال، دستگاه

۱- آن‌چه درباره‌ی بدن انسان می‌خوانیم، فقط برای طرح در کلاس و به دست آوردن نتایج است. و سؤال از آن‌ها در امتحان پایانی

ضرورت ندارد.

گردش خون قسمت‌هایی مانند قلب، سرخرگ، سیاهرگ و مویرگ دارد. هدف مجموعه‌ی این دستگاه رساندن مواد غذایی از طریق خون به بدن می‌باشد. و می‌دانیم که تا این هدف به انجام نرسد، حیات انسان که هدف کل دستگاه است، تحقق نخواهد یافت.

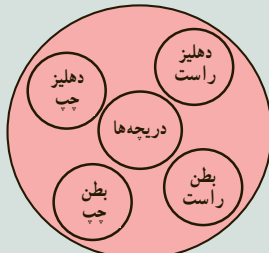


دستگاه گردش خون



دستگاه گردش خون

اگر جلو برویم و یکی از قسمت‌های دستگاه گردش خون، مثلاً قلب را مطالعه کنیم، می‌بینیم که آن نیز از قسمت‌هایی مانند بطن، دریچه و دهلیز تشکیل شده که با یکدیگر ارتباط دارند و همکاری می‌کنند. هدف مجموعه‌ی این عضو پخش خون به تمام بدن است. اگر این هدف نیز به انجام نرسد، هدف قبلی تحقق پیدا نخواهد کرد.

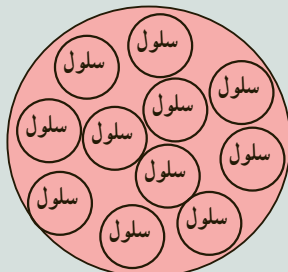


قلب



قلب

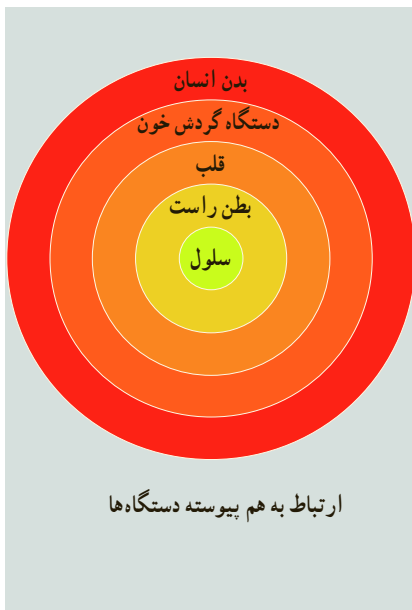
اگر باز هم جلو برویم و قسمتی از قلب، مانند بطن راست را مشاهده کنیم، می‌بینیم که آن هم از تعداد زیادی سلول تشکیل شده که با یکدیگر ارتباط دارند و همکاری می‌کنند. این قسمت نیز هدف معینی دارد که اگر انجام پذیرد، قلب نیز کار خود را درست انجام خواهد داد.



بطن راست



اجزای بطن



سلول‌ها نیز خود به قسمت‌های کوچک‌تری می‌رسند که هر کدام دارای نظام خاص و هدف خاصی هستند. حال اگر از کوچک‌ترین قسمت شروع کنیم، می‌بینیم که سلول برای بطن، بطن برای قلب، قلب برای دستگاہ گردش خون و دستگاہ گردش خون برای بدن کار می‌کند تا حیات و رشد بدن تأمین گردد. در این جا بایک پیوستگی مواجهیم به گونه‌ای که هدف جزء کوچک در خدمت هدف جزء بزرگ قرار دارد و آن نیز در خدمت جزء بزرگ‌تر، تا به برترین هدف، یعنی حیات بدن می‌رسیم.

اکنون می‌توان گفت :

- ۱- فعالیت هر سلول در هر قسمت بدن نه تنها در خدمت همان قسمت است، بلکه در خدمت نهایی‌ترین هدف، یعنی رشد و حیات بدن نیز هست.
- ۲- هر دستگاہی نظم، قانون‌مندی و هدف خاص خود را دارد. اما این امر نه تنها مانع هماهنگی و همکاری سراسری آن‌ها برای رسیدن به هدف نهایی نیست، بلکه در خدمت آن است.
- ۳- نظام‌های بزرگ از به هم پیوستن نظام‌های کوچک شکل می‌گیرند؛ بدین صورت که بطن‌ها، دهلیزها و دریچه‌ها قلب را می‌سازند، قلب و سرخرگ و مویرگ دستگاہ گردش خون، و مجموعه‌ای از دستگاہ‌ها نیز بدن را شکل می‌دهند.
- ۴- هر چه دایره‌ی نظام، بزرگ‌تر می‌شود، نظم و قانون‌مندی گسترده‌تری لازم است که نظام‌های کوچک‌تر را در درون خود جای دهد. به طور مثال خاصیت رشد و نمو به قسمت خاصی از بدن مربوط نیست، بلکه به مجموعه‌ی بدن و دستگاہ‌های آن مربوط است و همه‌ی این دستگاہ‌ها به نحوی برای این هدف فعالیت می‌کنند.
- ۵- این نظام‌های به هم پیوسته و تودرتو که بدن را می‌سازند، فعالیت هماهنگ و سازمان‌یافته‌ای انجام می‌دهند که در پایان منجر به حیات و رشد می‌شود.



کدام یک از آیات ابتدای درس گویای این انسجام درونی و هماهنگی خلل ناپذیر در موجودات است؟ پیام آن آیه را توضیح دهید.

نظام واحد جهان

اکنون از محدوده‌ی بدن انسان بیرون می‌آییم و به جهان پیرامون نظری می‌افکنیم. کوچک‌ترین مجموعه‌ی نظام‌مندی که بشر تاکنون شناخته است، اتم می‌باشد. که ذره‌ی اولیه‌ی موجودات را تشکیل می‌دهد. این واحد کوچک، از یک هسته و تعدادی الکترون ساخته شده است. عناصر این جهان، مانند آهن، اکسیژن، سرب، هیدروژن، نقره و طلا از اجتماع و پیوستگی اتم‌ها پدید آمده و مجموعه‌های بزرگ‌تر را سامان داده‌اند. این عناصر نیز به نوبه‌ی خود، به هم پیوسته و مجموعه‌های عظیم‌تری را به وجود آورده‌اند.

این پیوستگی و ترکیب ادامه می‌یابد و نظام‌های بزرگ‌تر و بزرگ‌تر پدید آمده تا به ظهور کوه‌ها، دریاها، درختان، حیوانات و انسان‌ها در این کره‌ی خاکی منجر شده است؛ به طوری که وقتی به کره‌ی زمین نگاه می‌کنیم، موجودات بی‌شماری را که هر کدام سامان خاص خود را دارند، مشاهده می‌کنیم که همه به هم وابسته‌اند و یک مجموعه‌ی عظیم را در این کره شکل داده‌اند و سبب شده‌اند که حیات و زندگی بر روی کره‌ی زمین ادامه یابد و در پرتو این حیات، انسان‌ها بتوانند زندگی فردی و اجتماعی خود را سامان دهند و برای رسیدن به هدف‌های خود برنامه‌ریزی کنند.

پیوستگی و ارتباط میان پدیده‌ها و نظام‌ها از زمین



کره‌ی زمین

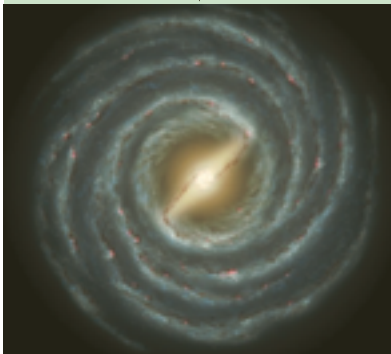
هم فراتر می‌رود و به رابطه‌ی بین سیارات و ستارگان کشیده می‌شود. تأثیرات خورشید و ماه بر زمین از جمله‌ی روابط بین کرات است که تاکنون بشر بدان پی برده است.



منظومه شمسی



کهکشان راه شیری



کهکشان‌ها

نور خورشید از عوامل مهم حیات در کره‌ی زمین است. این نور، پرتو انفجارهای بزرگی است که در خورشید رخ می‌دهند و آن را به صورت یک کره‌ی همیشه‌گدازان درمی‌آورد.

میزان ورود نور خورشید به زمین توسط هوای پیرامون ما، کنترل می‌شود. ترکیب خاص گازهای تشکیل دهنده‌ی هوا به این کنترل کمک می‌کند. این نور کنترل شده، علاوه بر روشن کردن زمین و معتدل کردن دما، تأثیرات شیمیایی و زیستی فراوانی دارد. ماه نیز بر زمین تأثیر دارد؛ از جمله سبب جزر و مد دریاها و اقیانوس‌ها می‌شود و این جزر و مد بر جانداران دریایی و ساختار سواحل دریا اثر می‌گذارد. ما امروزه می‌دانیم که امواج مغناطیسی فراوانی از کرات دور دست به سوی زمین می‌آیند و بر زمین اثر می‌گذارند. همچنین، جایگاه زمین در منظومه‌ی شمسی، نتیجه‌ی تعادل نیروی جاذبه‌ی همه‌ی سیارات این منظومه و خورشید است. با گسترش علم در دنیای امروز، می‌توانیم نمونه‌های دیگری از این ارتباط و هم‌بستگی را بیابیم. در حقیقت می‌توان گفت زمین جزئی از منظومه‌ی شمسی و منظومه‌ی شمسی جزئی از کهکشان راه شیری و کهکشان راه شیری جزئی از نظام کیهانی پیرامون ماست و این یک پیوستگی طولی را به ما نشان می‌دهد.

اکنون این سؤال به ذهن هر انسان اندیشمندی راه می‌یابد که: اگر شاخصه‌ی اصلی یک مجموعه‌ی نظام‌مند غایت و مقصد اوست، این مجموعه‌ی بزرگ جهانی چه هدف و مقصدی را دنبال می‌کند؟ و برای رسیدن به کجا این چنین پرتلاش به پیش می‌رود؟

آیا کسی بهتر از خداوند که خالق این جهان است می‌تواند پاسخ این سؤال را برای ما روشن کند و حقیقت را آشکار نماید؟ پس به سراغ کلام الهی می‌رویم تا به پاسخ درست برسیم.



با تدبر در آیات ابتدای درس و تکمیل عبارتهای زیر، پاسخ سؤال طرح شده را به‌دست آورید.

سوره/آیه	پیام	ردیف
.....	تمام مخلوقات این جهان به..... آفریده شده‌اند و دارای..... مشخص می‌باشند.	۱
سوره‌ی تغابن آیه‌ی ۳	هریک از مخلوقات در بهترین..... خلق شده‌اند و آنچه را که نیازمند رساندن آن‌ها به هدف بوده،.....	۲
.....	هریک از مخلوقات و مجموعه‌ی آن‌ها که نظام واحد جهانی را تشکیل می‌دهند، دارای انسجام کامل و پیوستگی دقیق برای رسیدن به هدف می‌باشند.	۳
.....	همه‌ی مخلوقات عالم تحت قانون‌مندی واحد الهی عمل می‌کنند و به‌سوی..... که مقصد نهایی جهان خلقت است روان می‌باشند.	۴
.....	کاروان هستی همان‌طور که از.....، رو به سوی..... دارد.	۵

بنابراین آیات، جهان به بهترین شکل و در بهترین نظم آفریده شده و هیچ‌گونه خلل و بی‌نظمی در آن راه ندارد و به سوی خداوند که کمال مطلق است در حرکت است. یعنی حرکتی رو به رشد و رو به تکامل دارد. حرکتی که فتح همه‌ی قله‌های کمال و زیبایی را هدف قرار داده است.

ما ز بالایم و بالا می‌رویم ما ز دریاییم و دریا می‌رویم^۱

۱- دیوان شمس، مولوی

الهام از نظام خلقت

* به قول اینشتین - فیزیکدان نامی قرن بیستم - «تمام تلاش‌ها و تفکرات منظم بشری در مقایسه با نظام عجیب و دقیق کائنات، انعکاسی ضعیف و ناقابل است»^۱ زیرا این دستاوردهای علمی مدیون همین نظام خلقت است. همه‌ی مصنوعات بشری با الهام از طبیعت و به‌کارگیری قوانین حاکم بر آن است؛ برای مثال، پرواز هواپیما با پیروی از قانون جاذبه و فرمول‌های مربوط به آن ممکن شده است. اگر امروزه انسان با استفاده از علم ژنتیک به تغییر نژاد گیاهان و حیوانات می‌پردازد، به مدد شناختی است که از قوانین حاکم بر طبیعت و با پیروی دقیق از آن حاصل شده است.

هرقدر علم انسان به قوانین خلقت کامل‌تر و دقیق‌تر باشد، به ساخت مصنوعات متنوع‌تر و دقیق‌تری موفق خواهد شد. کار انسان با کشف قوانین طبیعت است و بشر

هیچ‌گاه نمی‌تواند از سیطره‌ی قوانین خارج شود. خداوند انسان را در دامن طبیعت می‌آفریند و به او استعدادی علمی می‌بخشد که بتواند طبیعت را نظاره کند، روابط میان پدیده‌ها را کشف نماید، آن‌ها را به‌کار بندد و با ساخت مصنوعات خویش، آن‌ها را مورد بهره‌برداری قرار دهد. آن‌گاه که این مصنوعات را مشاهده می‌کنیم، ردپای علم و تدبیر انسان را در آن‌ها می‌بینیم و بر سازندگان آن‌ها آفرین می‌گوییم.

اما «آفرین» بزرگ‌تر و برتر از آن کیست؟ کسی که این نظام را آفریده تا ما بتوانیم با بهره‌گیری از طبیعت، ابزارهای



۱- دنیایی که من می‌بینم، آلبرت اینشتین، ص ۶۱

«فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ»

مؤمنون، ۱۴

* دانشمندان در ضمن مطالعه‌ی طبیعت، پی برده‌اند که طبیعت یک تدبیر درونی بسیار دقیق دارد به طوری که خود را از فساد و تباهی حفظ می‌کند. انواع گیاهان و حیوان‌ها، پراکندگی آن‌ها در کره‌ی زمین و بهره‌مندی آن‌ها از یکدیگر به گونه‌ای است که همواره طراوت، شادابی و پویایی طبیعت حفظ می‌شود. این تدبیر درونی، به طور جداگانه در هر یک از موجودات، از جمله در بدن انسان نیز مشاهده می‌شود. به طور مثال، در هنگام کمبود آب و غذا احساس تشنگی و گرسنگی می‌کنیم تا با خوردن آب و غذا نیاز بدن تأمین شود و دچار بیماری نشویم. بیش‌تر زخم‌ها و آسیب‌های بدن به وسیله‌ی خود بدن ترمیم می‌شود. میزان قند، چربی و سایر مواد غذایی به وسیله‌ی دستگاه‌هایی تنظیم و کنترل می‌شوند و اگر از حد تجاوز کنند با علامت‌هایی هم‌چون بالا یا پایین آمدن فشارخون به ما اطلاع می‌دهند.

به همین جهت گروهی از دانشمندان دوستدار طبیعت معتقدند که هر جا بشر با علم ناقص خود در طبیعت دخالت کرده، نظم آن را به هم زده و موجبات فساد زمین را فراهم ساخته است. به طور مثال، تولید انبوه مواد پلاستیکی و پراکنده شدن آن‌ها در سطح زمین سبب نامرغوب شدن خاک‌ها شده است. زیرا این مواد، برعکس مواد طبیعی، هزاران سال طول می‌کشند تا در طبیعت تجزیه شود و جزء مواد طبیعی زمین گردند. این گروه از دانشمندان درباره‌ی نابودی زمین یا نامساعد شدن آن برای زندگی نسل‌های آینده هشدارهای جدی می‌دهند. آنان می‌گویند خسارتی که انسان متمدن در صد سال اخیر بر طبیعت وارد کرده، چندین برابر خسارت زندگی هزاران ساله‌ی انسان است. در فروردین ۱۳۸۴ در گزارش بسیار مهمی که به وسیله‌ی صدها دانشمند در سطح جهان به سازمان ملل داده شد و درباره‌ی زیست بوم (اکوسیستم) کره‌ی زمین بود، آمده که بشر ۶۰ درصد امکانات کره‌ی زمین را که تاکنون شناخته، مصرف کرده و بدون جایگزین کردن، فقط ۴۰ درصد را برای فرزندان خود در آینده گذاشته است. گاندی، رهبر مبارزه‌ی مردم هند علیه انگلستان می‌گوید زمین پاسخ‌گوی نیاز انسان هست، اما پاسخ‌گوی آز او نیست. این گروه از دانشمندان پیشنهاد می‌کنند که انسان کم‌تر طبیعت را دست‌کاری کند. آنان

می‌گویند درست است که آدمیان برای رفع نیازهای خود ناچار به استفاده‌ی از طبیعت هستند، اما این استفاده باید به حداقل خود برسد. به‌خصوص که انسان با علم اندک خود به‌گونه‌ای در طبیعت دست می‌برد که آینده‌ی آن به هیچ‌وجه قابل پیش‌بینی نیست. استفاده‌ی بیش از حد از انرژی زمین، استخراج منابع زیرزمینی و خالی شدن فضاهای بزرگی در اعماق زمین، استفاده از مواد شیمیایی برای تولیدات کشاورزی، انهدام نسل بسیاری از گیاهان و جانوران و ده‌ها مسأله‌ی دیگر این دانشمندان را واداشته تا به بشر هشدار دهند که با تکیه بر دانش اندک خود نظام بسیار دقیق، پیچیده و مستحکم طبیعت را به‌خاطر رفاه و آسایش شخصی خود دست‌کاری نکند و خود را با آن سازگار سازد.

درواقع، خالق هستی چنان نظام دقیق و حکیمانه‌ای بر خلقت حاکم کرده که هرگونه حرکت ناهماهنگ با آن، سبب وارد آمدن خسارت‌های جبران‌ناپذیر به طبیعت و خود می‌شود و امکان زیستن و حیات نسل‌های بعد را مشکل می‌سازد.

این موعظه‌ی حکیمانه و عاقلانه را همواره در نظر داشته باشیم که :

در استفاده از آفریده‌های الهی و بدن خود تا آن‌جا اقدام کنیم که نظام خودکنترلی طبیعت پیرامون و بدن ما مختل نگردد و توانایی اصلاح و بازسازی را از دست ندهد.

تذکر این موعظه به دیگران یکی از مصادیق امر به معروف و نهی از منکر است.

گام اول

همراه با کاروان هستی

جهان از خداست و رو به سوی او دارد؛ حقیقت بزرگی که بر تمام افکار و اعمال تأثیر می‌گذارد و به زندگی‌ام جهت می‌دهد. می‌کوشم که این حقیقت را هرچه بهتر و عمیق‌تر درک کنم و زندگی خود را با آن تنظیم نمایم تا از کاروان هستی عقب‌نمانده و به سرمنزل مقصود برسم.

۱- برخی از آیات قرآن کریم با عبارت «وَمِنْ آيَاتِهِ...» آغاز می‌شود. به آیات ۲۲ تا ۲۵ سوره‌ی روم و ۲۹ سوره‌ی شوریٰ مراجعه کنید و با بهره‌مندی از آن‌ها حکیمانه بودن خلقت را توضیح دهید.

۲- کسی که می‌داند جهان از خداست و رو به سوی او دارد، این عقیده چه تأثیری در زندگی او خواهد داشت؟

۱- با توجه به آن‌چه در خطبه‌ی ۹۰ نهج البلاغه و قسمت «الهام از طبیعت» آمد، دو جدول مانند جدول زیر تنظیم کنید و ویژگی‌های علم الهی و علم انسان و جهان خلقت و مصنوعات انسان را بنویسید.

ردیف	علم الهی	علم انسان
۱
۲
۳
۴

ردیف	جهان خلقت	مصنوعات انسان
۱
۲
۳
۴

۲- در آثار بزرگان علم و دانش تحقیق کنید و نظریات آنان درباره‌ی جهان خلقت را یادداشت نمایید. (منابع: ۱- آفرینش جهان از ژرژ گاموف؛ ۲- اثبات وجود خدا از جان کلورمونا؛ ۳- در جست‌وجوی خدا از جان‌هاتون؛ ۴- حواس اسرارآمیز حیوانات از ویتوس دروشر؛ ۵- دنیایی که من می‌بینم از اینشتین؛ ۶- راز آفرینش انسان از کرسی مورینسن؛ ۷- نشانه‌های او از رضا صدر)

به‌سوی او

ذره‌ای کوچک، نامش اتم
 هسته‌ای در میان و پیرامونش سیاره‌هایی
 پروانه‌وار در گردش.
 دنیایی از حرکت، تکاپو و تلاش
 در حال شدن، در جست‌وجو
 منظومه‌ای بزرگ، نامش کهکشان
 با انبوهی از منظومه‌ها
 هر منظومه، هسته‌ای در میان و پیرامونش سیاره‌هایی
 پروانه‌وار در گردش.
 دنیایی از حرکت، تکاپو و تلاش
 در حال شدن، در جست‌وجو
 منظومه‌ی شمسی، عضوی از کهکشان راه شیری
 طول این کهکشان، هزار میلیون میلیارد (10^{18}) کیلومتر، با صد میلیارد (10^{11})
 ستاره؛ هر ستاره در مرکز یک منظومه، حدود صد میلیارد منظومه در کهکشان راه شیری!
 و در این کهکشان، نزدیک‌ترین ستاره به زمین، در فاصله‌ی چهل هزار میلیارد (4×10^{13})
 کیلومتر! و کهکشان راه شیری، یکی از یک میلیارد کهکشان شناخته شده.
 اگر نوری از آخرین کهکشان شناخته شده هم اکنون به‌سوی زمین حرکت کند،
 حدود ده میلیارد (10^1) سال طول می‌کشد تا به ما برسد!
 آن روز ما کجاایم؟
 کهکشان‌ها در حرکت،
 منظومه‌ها در جست‌وجو،

ستاره‌ها در پویش،
سیاره‌ها در تکاپو،
و جهان در حال شدن،
و زمین، در گوشه‌ای از کهکشان، با سنگ‌ها، خاک‌ها، گیاهان، حیوان‌ها و
انسان، در تلاش

در حال رفتن،
به هر چه می‌نگری، روز بعد، نه، لحظه‌ای بعد گونه‌ای دیگر است، حالی دیگر یافته است.
هرچیزی برای رفتن آمده، از ماندن می‌هراسد،
در ماندن نابودی می‌بیند و در ایستایی، مرگ!
چون می‌رود هست، هست برای این که برود.
به کجا؟

همه چیز رودی شتابان، نه مردابی ساکن. سکوت، قرار و آرام معنا ندارد. اگر خوب
گوش دهی، ترنم جاری جهان را می‌شنوی؛ اگر خوب نگاه کنی قدم‌های شتابان رفتن را
می‌بینی و اگر حسی قوی داشته باشی، نسیم این جریانِ همواره را احساس می‌کنی که:
جهان، یک شکفتن است.

آن قطره‌ی آب که بر صخره می‌چکد،
این دانه که از زمین سر می‌زند،
این ماهی که در دل دریا می‌رقصد،
آن آفتاب که بر عالم می‌تابد،
آن پرنده که در آسمان پرواز می‌کند،
همه سرود رفتن سر داده‌اند، می‌گویند می‌رویم تا بمانیم.
حتی آن گُل‌ی که در خزان پژمرده می‌شود،
آن دانه‌ای که در خاک می‌رود،
در رستخیزی جدید و تحولی دیگر، می‌شکفند، جان می‌گیرند
طلوع می‌کنند و از خاک برمی‌آیند.
جهان - از ذره‌های اتم تا کهکشان‌های بزرگ - می‌روند،
به سوی او، او که آن‌ها را به سوی خود می‌خواند،

او که باقی و جاودانه است.

او جهان را برای جاودانگی آفرید، برای حیات،
برای زیبایی! برای خود که عین بقا، حیات و زیبایی است.
آن روز که خدا اولین خشت بنای عالم را نهاد،
گل آن را با محبت خود آمیخت
و چنین شد که تمام ذرات هستی رو به سوی او آورد.

و آن روز که گل آدم را سرشت،
به او میل به جاودانگی بخشید، و خود جاودانه‌ترین بود،
به او میل به زیبایی و نیکی داد، و خود خیر و زیبایی مطلق بود،
و از آن روز که آدم به زمین هبوط کرد،
بنی آدم در هجر آن خیر و زیبایی و کمال، بی‌قرار شد،
و از آن هنگام، در میان بنی آدم، آنان که حقیقت هجران را یافتند؛ مشتاقانه، بر در
هستی می‌کوبند، به امید لقای او و رسیدن به آستان او.
«گفت پیغمبر رکوع است و سجود بر در حق کوفتن حلقه‌ی وجود»^۱
و این چنین، زندگی شدنی به سوی او گردید
و رفتنی تا بی‌نهایت، تا مطلق؛
و این‌گونه بود که حیات، زیبایی و نشاط یافت و اندوه و نگرانی رخت بر بست.

۱- متنی که خواندید، نگاهی بود به جهان و آینده‌ی آن؛ بگویید که چه پیامی را
به شما منتقل می‌کند. چنین نگاهی در زندگی انسان چه تأثیری دارد؟
۲- با قطعه‌ای ادبی، به نثر یا شعر، با طرح یا تصویری زیبا، دیدگاه خود را از
جهان ترسیم کنید.